

دریافت مقاله: ۹۱/۳/۱۹

فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت نظامی

پذیرش مقاله: ۹۱/۵/۹

شماره ۴۶، سال دوازدهم، تابستان ۱۳۹۱

ص ص ۱۵۵-۱۸۶

تبیین نقش عوامل محیط داخلی در اعمال جنگ پیشگیرانه آمریکا علیه عراق، در سال ۲۰۰۳

احمد خادم حسینی^۱

محسن خوشدل امامی^۲

چکیده

کشور عراق در چند دهه‌ی اخیر با بحران‌های متعدد روبه‌رو بوده است. از دید صاحب‌نظران علل ریشه‌ای بحران عراق در دو دسته عوامل داخلی و عوامل خارجی قابل برشماری است. فضایی که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در سطح جهان به وجود آمد، موجب شد تا سیاست خارجی اضطرار، تهدید و اجبار در فضای سیاسی ایالات متحده آمریکا شکل بگیرد. دو رویداد یعنی فروپاشی ابرقدرت شوروی و معرفی تهدید جدیدی به نام تروریسم جهانی، موجب گردید تا ایالات متحده آمریکا دکترین جنگ پیشگیرانه را برای مقابله و از بین بردن تهدیدات دوران مبارزه با تروریسم بین‌المللی اعمال نماید. تحقیق حاضر از نوع توسعه‌ای - کاربردی و روش آن موردی زمینه‌ای بوده و هدف آن تبیین نقش عوامل محیط داخلی در اعمال جنگ پیشگیرانه آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ است.

واژگان کلیدی: عوامل محیط داخلی، جنگ پیشگیرانه

۱. دانشجوی دکترای دانشگاه عالی دفاع ملی و عضو هیئت علمی دافوس آجا

۲. دکترای حرفه‌ای دانشگاه عالی دفاع

مقدمه

فروپاشی ابرقدرت شرق و پایان جنگ سرد در حوزه‌های مفهومی و سیاست‌گذاری‌های راهبردی - امنیتی تحولات شگرفی را ایجاد نمود. ۱۱ سپتامبر حادثه‌ای بود که منشأ بسیاری از تحولات گشت. این حادثه منجر گردید که سردمداران آمریکا تلاش نمایند تا تهدیدات امنیت ملی خود را از طریق مقابله مؤثر و چندجانبه با کشورهای تهدیدکننده خنثی نمایند و برای تحقق چنین هدفی الگوهای متفاوتی را در دستور کار قرار دادند که از جمله می‌توان به ضرورت به‌کارگیری موازنه‌گرایی، اقدامات پیش‌گیری‌کننده، اقدامات یک‌جانبه‌گرایانه، هژمونیک‌گرایی بین‌المللی و همچنین اقدامات پیش‌گیرانه و عملیات پیش‌دستانه اشاره نمود.

در این مسیر آمریکا تلاش نمود تا نظام تک‌قطبی را بر نظام بین‌المللی حاکم نموده و دکترین جنگ پیش‌گیرانه و عملیات پیش‌دستانه را در دستور کار خود قرار دهد. در دفاع از این دکترین ادعا می‌شود که در آینده جنگی علیه آمریکا به وقوع می‌پیوندد، هرچند احتمال دارد فوری نباشد، اجتناب‌ناپذیر است و به تأخیر انداختن آن هزینه‌ها و ریسک بیشتری دارد. استراتژیست‌های دولت بوش پس از حوادث ۱۱ سپتامبر طیف جدیدی از تهدیدات امنیت ملی آمریکا را ترسیم نمودند. آنان موضوعاتی از جمله تروریسم، افراط‌گرایی، اصول‌گرایی اسلامی و همچنین سلاح‌های کشتار جمعی را به عنوان تهدیداتی نام بردند که می‌تواند راهبرد ملی کشورها را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از دلایل تشدید تضاد موجود در روابط آمریکا با ایران را نیز می‌توان در راستای فعال‌سازی راهبرد جنگ پیش‌گیرانه مورد توجه قرار داد که البته چنین الگویی زمینه‌ساز جنگ‌های مداخله‌گرایانه آمریکا در کشورهای افغانستان و عراق نیز بوده است. در بررسی اتخاذ این شیوه عملیات توسط آمریکا می‌توان به این موضوع اشاره نمود که در راهبرد نوین امنیت ملی آمریکا انجام عملیات پیش‌دستانه به عنوان ضرورت جدید نام برده می‌شود که برای مقابله با تهدیدات قریب‌الوقوع تبیین شده است. اصول کلی دکترین بوش در یکی از اسناد شورای امنیت ملی آمریکا با عنوان «استراتژی امنیت ملی آمریکا» در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲ تشریح گردیده است.

بیان مسئله

حادثه ۱۱ سپتامبر، فرصتی تاریخی برای رهبری آمریکا فراهم آورد تا در قالب مبارزه با تروریسم، راهبرد تهاجمی خود را شکل دهد. دکترین مطلوب برای این حرکت تهاجمی و همه‌گیر که در نهایت مطلوب نظر دستگاه تصمیم‌گیری ایالات متحده قرار گرفت، دکترین جنگ پیش‌گیرانه و عملیات پیش‌دستانه بود. تهاجم به کشور عراق در سال ۲۰۰۳ به بهانه وجود سلاح‌های کشتار جمعی آغاز گردید و علی‌رغم سقوط رژیم بعثی و گذشت حدود هشت سال از اشغال نظامی عراق، بی‌ثبات و امنیت در این کشور به بحران اساسی برای اشغال‌گران آمریکایی تبدیل گشته و این موضوع خود بهانه‌ای برای ادامه اشغال و حضور نظامی ارتش آمریکا قرار گرفته است که در واقع نشان‌دهنده هدف اصلی این تهاجم یعنی تقویت و تثبیت حضور نظامی دائمی آمریکا در منطقه حساس و مهم خاورمیانه و خلیج فارس است.

چنین به نظر می‌رسد که هر کشوری برای دفاع از خود و برقراری امنیت پایدار در قلمرو سرزمینی خود نیازمند به ایجاد قوای نظامی و در کنار آن اتخاذ یک راهبرد برای تقویت عوامل محیط داخلی (وضعیت فرهنگی، اقوام و قومیت‌ها، احزاب و جریان‌های سیاسی، وضعیت اقتصادی و سایر عوامل) است. این امر در خصوص جنگ بین عراق و آمریکا در سال ۲۰۰۳ به گونه‌ای رقم خورد که در نهایت منجر به سقوط حکومت صدام و اشغال این کشور توسط نیروهای ائتلاف گردید.

مقاله‌ی پیش رو تلاش دارد با بررسی سیر حوادث پیش از آغاز جنگ بین عراق و آمریکا در سال ۲۰۰۳ و تبیین عوامل محیط داخلی عراق، به مطالعه‌ی نقش آن پرداخته و در نهایت به این سؤال پاسخ دهد که «نقش عوامل محیط داخلی در اعمال جنگ پیشگیرانه آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ چه بوده است؟»

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

جهت‌گیری اصلی سیاست دفاعی آمریکا مبتنی بر «پیش‌گیری از تهاجم از طریق اقدامات پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه» قرار دارد که پس از شکست طالبان به وجود آمده است و چنین به نظر می‌رسد که راهبرد نظامی و دفاعی آمریکا در قرن ۲۱، مبتنی بر مقابله با تهدیدات کوتاه مدت، میان‌مدت و بلندمدت بوده است.

بدون تردید هم‌جواری و همسایگی با کشور عراق تأثیرات زیادی بر راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قبال این منطقه داشته و دارد. بررسی عوامل محیط داخلی این کشور در جنگ سال ۲۰۰۳ با ایالات متحده آمریکا کمک مهم و شایسته‌ای را برای مسئولان و راهبردها در جهت شناسایی شرایط، زمینه‌ها و بسترهایی که منجر به تهدیدات و فرصت‌ها می‌شود، فراهم می‌نماید.

دشمنی تمام‌عیار آمریکا با جمهوری اسلامی ایران و سابقه اعمال دکتترین جنگ پیش‌گیرانه توسط آمریکا در افغانستان و عراق، نشانگر اهمیت مطالعه دقیق این دکتترین و بررسی ابعاد و نتایج جنگ‌های مذکور با توجه به شکست طالبان در مقابل آمریکا دارد.

این پژوهش فواید پیش‌رو را برای مسئولان و راهبردها در جهت دفاعی ج.ا.ایران دارد:

- بررسی همه‌جانبه و علمی عوامل محیط داخلی عراق و نقش بازدارنده یا ترغیب‌کننده آن برای ایالات متحده در اعمال جنگ سال ۲۰۰۳ علیه عراق
- فراهم نمودن اطلاعات لازم و اولویت‌گذاری ملاحظات مرتبط با عوامل محیط داخلی در راهبرد دفاعی ج.ا.ا.
- ایجاد بستر اطلاعاتی مناسب در زمینه نقش عوامل محیط داخلی برای محققان و مسئولان دفاعی ج.ا.ا.

- زمینه‌سازی افزایش آمادگی نیروهای مسلح در شرایط مشابه احتمالی، با توجه به استقرار ارتش آمریکا در کنار مرزهای ج.ا.ا و نزدیک شدن فضای تهدید، با توجه به تجزیه و تحلیل علمی شرایط و زمینه‌های اعمال جنگ پیش‌گیرانه

اهداف پژوهش

مهم‌ترین هدفی که در این پژوهش مورد توجه محققان قرار دارد، تبیین نقش عوامل محیط داخلی عراق در اعمال جنگ پیشگیرانه آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ است.

سؤال پژوهش

مهم‌ترین سؤالی که این مقاله در جستجوی پاسخ‌گویی به آن است عبارت است از:
نقش عوامل محیط داخلی در اعمال جنگ پیشگیرانه آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ چه بوده است؟

فرضیات پژوهش

با توجه به این که مطالعه‌ی انجام شده اکتشافی بوده و متغیرهای این تحقیق (عوامل محیط داخلی، زمینه‌ها، شرایط و الزامات عملیات پیش‌گیرانه آمریکا) از نوع متغیرهای کمی و کیفی (آمیخته) می‌باشند، محققان از ارائه فرضیه خودداری نموده و اهداف و سؤالات تحقیق را دنبال نموده‌اند.

روش‌شناسی^۱ پژوهش

با توجه به موضوع این مقاله در خصوص نقش عوامل محیط داخلی، نوع تحقیق توسعه‌ای- کاربردی و روش انجام این تحقیق موردی- زمینه‌ای است.

جامعه آماری

جامعه آماری در این پژوهش جمعاً به تعداد ۱۶۴ نفر به شرح زیر است:

الف) صاحب‌نظران و نخبگان نظامی در سطح فرماندهان ارشد و مدیران راهبردی (۶۵ نفر)

ب) متخصصان امور عراق، آمریکا (۴۴ نفر)

پ) متخصصان در حوزه آینده پژوهی با گرایش نظامی (۵ نفر)

ت) استادان و متخصصان دانشگاهی در رشته‌های ژئوپلیتیک، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل (۱۶ نفر)

ث) فرماندهان و متخصصان عراقی (۳۴ نفر)

جمعیت و حجم نمونه

در این تحقیق با توجه به این که حجم جامعه آماری ۱۶۴ نفر انتخاب گردیده است و با توجه به کیفی بودن صفات و متغیرهای مورد مطالعه، برای محاسبه حجم نمونه از رابطه کوکران^۱ استفاده به عمل آمده که این تعداد برابر با ۶۳ نفر است.

روش نمونه‌گیری

با توجه به این که ساختار جمعیت آماری مورد نظر از نوع قشربندی نسبی است، برای انتخاب نمونه از نمونه‌گیری قشربندی نسبی استفاده شده است؛ در این حال پژوهش خواندگان با استفاده از روش هدفمند قضاوتی انتخاب گردیده‌اند.

روش تحلیل داده‌ها

الف) جهت محاسبه متغیرهای کمی از آمارهای استنباطی (پارامتریک و ناپارامتریک) و توصیفی استفاده شده است.

ب) جهت محاسبه متغیرهای کیفی از تحلیل محتوا، نقد و بررسی و نظریه‌مبنایی استفاده به عمل آمده است.

روایی و اعتبار پژوهش

به منظور کسب روایی و اعتبار پژوهش تلاش شده است از اسناد و مدارک دست اول استفاده شده و با مراجعه به کتابخانه‌های معتبر، از کتاب‌های مبتنی بر پژوهش و صاحب اعتبار، اطلاعات لازم گردآوری گردیده است. جامعه آماری و به طبع آن جامعه نمونه این پژوهش از میان برجسته‌ترین تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان راهبردی کشور به ویژه در امور مرتبط با مسایل دفاعی در رده راهبردی انتخاب گردیده و پرسش‌نامه‌های مربوط را تکمیل نموده‌اند.

ادبیات تحقیق

واژه‌ها و اصطلاحات

جنگ: جنگ به انواع اقدامات قهریه و جبری اطلاق می‌شود که دولتی نسبت به دولت دیگر اعمال داشته تا آن را به تمکین از اراده‌ی خود مجبور سازد. (آقایی و علی بابایی، ۲۴۳:۱۳۶۶)

بازدارندگی: بازدارندگی یک راهبرد نظامی است که طی آن یک قدرت، از تهدید به انتقام‌گیری مؤثر برای ممانعت از حمله دشمن استفاده می‌کند. (ویکی‌پدیا، ۲۰۱۲)

امنیت ملی: امنیت ملی، به مفهوم وجود شرایطی است که در آن افراد ملت از خطر هرگونه تهدیدی نسبت به تمامیت ارضی و استقلال کشور، وحدت کلی، نهادهای حکومتی، ثروت‌ها، اقتدار ملی، عقاید، مقدسات، مال، معیشت، حیثیت، ناموس، جسم، جان، حقوق اساسی و به طور کلی همه ارزش‌هایی که در گستره‌ی چتر منافع ملی قرار دارند، در چارچوب قوانین کشور به طور نسبی در بستر زمان در امان باشند. (تهامی، ۱۳۸۴: ۷۹)

تهدید: در سطح ملی تهدید عبارت است از هرگونه نیت، قصد، حادثه و اقدامی که ثبات سیاسی و امنیت ملی کشوری را به خطر اندازد. (تهامی، ۱۳۷۶: ۴)

جنگ پیش‌گیرانه: جنگی است با این توجیه که برای خنثی کردن جنگ بزرگ‌تری در آینده شروع می‌شود، جنگ دوم اگر چه قریب‌الوقوع نیست ولی اجتناب‌ناپذیر است و هرگونه تأخیر موجب خطر بزرگ‌تری خواهد بود. (DOD military dictionary, 284: 2008)

جنگ پیش‌دستانه: حمله‌ای است بر اساس شواهد غیرقابل انکار مبنی بر این که حمله قریب‌الوقوع دشمن اجرا خواهد شد. (Random house unabridged Dictionary, 1993 1535)

مروری بر مفهوم جنگ پیش‌گیرانه

جنگ پیش‌گیرانه

فرآیند تحول مفهوم

فضایی که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر به وجود آمد، موجب شد تا سیاست خارجی اضطرار، تهدید و اجبار در فضای سیاسی ایالات متحده آمریکا شکل بگیرد. یعنی همان فضایی که موجب بمباران اتمی ژاپن در ۱۹۴۵، بمباران شدید بلگراد در ۱۹۹۹، حملات شدید هوایی و زمینی علیه القاعده و طالبان در اکتبر ۲۰۰۱ و حملات هوایی و موشکی علیه صدام در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ شد. (غلامپور، ۱۳۸۰: ۶۶)

«به دنبال حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، ایالات متحده سیاست امنیت ملی خود را دوباره بنا نمود. بوش و مقامات حکومتی وی اعلان کردند که در آینده، تحت شرایط ویژه‌ای آمریکا پیش از آن که به او حمله شود مبادرت به تهاجم خواهد نمود؛ زیرا دیگر بازدارندگی و دفاع، محافظت لازم را از آمریکا در مقابل حملات تروریست‌های متعصب و دولت‌های یاغی و بی‌مسئولیت^۱ مسلح به جنگ‌افزارهای کشتار جمعی^۲ به عمل نخواهد آورد. راهبرد امنیت ملی ۲۰۰۲م. آیین‌نامه^۳ (دکترین) را مدون ساخت و روشن نمود که در آینده جنگ پیش‌دستانه یکی از ابزارهای مهم

1- reckless rogue states

2- Weapons of Mass Destruction (WMD)

3- The 2002 National Security Strategy (NSS)

4- doctrine

سیاست خارجی ایالات متحده علیه تهدیدات پیش‌بینی‌شده^۱ تروریست‌ها و کشورهای یاغی و توسعه‌دهنده جنگ‌افزارهای هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی است. راهبرد امنیت ملی بیان ننموده است که ایالات متحده همیشه علیه این تهدیدات در ابتدا اقدام خواهد نمود، اما مشخص ساخته است که آمریکا لازم نیست حتماً منتظر حمله نخست از سوی این تهدیدات باقی بماند. (RAND, 2006: 12)

فرانسیس فوکویاما^۲، در کتاب خود به نام «پس از نومحافظه کاران» اعتقاد دارد که اصول سیاست خارجی بوش در دوره اول ریاست جمهوری، حمله پیش‌گیرانه یا پیش‌دستانه^۳ بوده و تغییر رژیم در کشورهای دیگر را سلطه خیرخواهانه و یک‌جانبه عمل کردن در عرصه بین‌المللی می‌نامد. (Fukuyama, 2006: 7)

به علت مشکلات حقوقی پیش‌آمده در خصوص جنگ پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه، هم‌اکنون عبارت جدید حمله پیش‌گیرانه^۴ در گفتمان مجامع آکادمیک غرب مطرح شده است که دربرگیرنده هر دو راهبرد آفندی جنگ پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه بوده و بر اساس اصل دفاع از خود، در برابر حمله دشمنی انجام می‌گیرد که یا حمله آن قریب‌الوقوع است و یا ممکن است این‌طور باشد. در این صورت بهتر است شما در شرایطی که خود مناسب می‌دانید اقدام نمایید. (RAND, 2006: 12)

در حالت توازن قوا در صورتی که یک طرف احساس کند به دلیل افزایش توان رزمی طرف مقابل و یا رخداد یک پیشرفت علمی ممکن است در موضع ضعف قرار گیرد به شرط وجود سلاح‌های آفندی به جنگ پیش‌گیرانه مبادرت خواهد نمود. (همان: ۳۰)

1- anticipated threats

۲- استاد دانشگاه جان هاپکینز، در سال ۱۹۹۲ با نوشتن کتاب "پایان تاریخ و انسان آخر" به شهرت جهانی رسید.

3- Preemptive War

4- Anticipatory Attack

تداوم راهبرد اقدام پیش‌دستانه و جنگ پیش‌گیرانه ایالات متحده آمریکا با دشواری‌هایی به شرح زیر مواجه است:

- جنگ پیش‌گیرانه برخلاف جنگ پیش‌دستانه از پشتیبانی قانونی ضعیف‌تری در

مجامع حقوقی بین‌المللی برخوردار است. (همان: ۱۲)

- جنگ پیش‌گیرانه بر پایه اطلاعات در مورد دشمن آینده استوار است که ممکن

است این اطلاعات دقیق نباشد مانند نمونه آنچه در عراق اتفاق افتاد. (2005:204،

Samuels)

- انگیزه لازم برای چنین جنگی درک ما در مورد تهدیدی است که هنوز عملی

نشده و هیچ کس نمی‌داند که کشوری که به عنوان یک تهدید درک شده چه

زمانی آنرا عملی می‌نماید. (همان: ۲۰۶)

در این تحقیق تعریف ارائه شده از سوی وزارت دفاع ایالات متحده^۱ در خصوص

جنگ پیش‌گیرانه به عنوان تعریف مبنایی مد نظر است:

جنگی که بر این باور استوار است که اگر چه جنگ قریب‌الوقوع نیست،

اجتناب‌ناپذیر است و هرگونه تأخیر موجب خطر بزرگ‌تری خواهد بود.

بررسی محیط و عوامل قدرت ملی عراق

موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی عراق

کشور عراق با وسعت ۴۳۷۰۷۲ کیلومتر مربع (مساحت آبی ۴۹۱۰ کیلومتر مربع و

مساحت خشکی ۴۳۲۱۶۲ کیلومتر مربع) در جنوب غرب قاره آسیا، در منطقه

خاورمیانه و در کناره شمال غربی خلیج فارس بین ۲۹ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و

۲۲ دقیقه عرض شمالی و ۳۹ درجه و ۱۳ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی

واقع شده است. این کشور از شمال به ترکیه، از شرق به جمهوری اسلامی ایران، از

جنوب شرق به خلیج فارس، از جنوب به کویت و عربستان سعودی و از غرب به اردن و سوریه محدود می‌گردد. (سازمان جغرافیایی، ۱۳۸۳: ۳)

«کشور عراق موقعیت گذرگاهی دارد و این می‌تواند مزیت‌هایی را برای این کشور داشته باشد. عراق شرقی‌ترین کشور عربی است که مرز خشکی طولانی با کشورهای غیر عرب در آسیا داشته و همواره خود را نگهبان دروازه شرقی جهان عرب معرفی می‌کند. این سرزمین از گذشته‌های دور یکی از مسیرهای اتصال دهنده آسیا به اروپا و آفریقا بوده است، لذا کوتاه‌ترین راه خشکی برای عبور زائران خانه خدا (مکه) برای مسلمانان آسیای مرکزی، شبه قاره هند، ایران و حتی قفقاز و آسیای صغیر محسوب می‌شود.»

این کشور با دارا بودن حدود ۱۰ تا ۱۱٪ ذخایر نفت کشف شده جهان و دومین کشور دارنده این ماده پر ارزش در جهانی که تغییر بزرگی در ماهیت قدرت از سیاسی - نظامی به اقتصادی پدید آمده، نقش و اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و شاید مهم‌ترین عامل حمله نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی نیز همین موضوع باشد. عراق علاوه بر نفت، ذخایر گاز قابل توجهی نیز دارد. بر اساس برآوردهای نشریه نفت و گاز، پتانسیل ذخایر گازی کشف نشده در عراق ۹۲۵۰ میلیارد متر مکعب (معادل ۳۲۶ تریلیون فوت مکعب) است که شامل ۴۶۰۰ میلیارد متر مکعب ذخایر مستقل گازی و ۴۶۵۰ میلیارد متر مکعب ذخایر گازی همراه با نفت است. (یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۳۸)

«عراق که توانسته بود در بسیاری از شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی به نرخ‌های قابل قبولی برسد، امروزه در رده بندی کشورها از نظر درآمد سرانه بر حسب تولید ناخالص داخلی، جزو فقیرترین کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. به طوری که درآمد سرانه آن بر حسب دلار از ۲۱۴۳ دلار در سال ۱۹۸۰ میلادی به ۲۳۷ دلار در سال ۲۰۰۱ میلادی کاهش یافته است.»

«از بین رفتن زیرساخت‌های مهم و اساسی و فرسوده بودن اغلب آن‌ها، ناامنی و ایجاد اختلال در پروژه‌های بازسازی، عدم سرمایه‌گذاری‌های خارجی، گسترش قاچاق، نرخ بالای بیکاری، تورم و بدهی‌های خارجی و... موجب شده تا امروزه بازسازی و نوسازی یک اقتصاد قابل دوام و مناسب رشد و ترقی در عراق با مشکلات شدیدی مواجه شود.» (یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۳۸)

جمعیت، قومیت، روحیه و انگیزه ملی

جمعیت

طبق پژوهشی که در سال ۲۰۰۴ توسط مرکز توسعه انسانی سازمان ملل متحد در بغداد صورت گرفت، جمعیت عراق ۲۷/۱۳۹/۵۸۵ نفر اعلام شد که نسبت به سال ۱۹۴۷ (نخستین سرشماری رسمی)، جمعیت این کشور بیش از هفت برابر شده است.

ترکیب قومیتی و مذهبی

در ماده ۳ پی‌نویس قانون اساسی عراق چنین آمده است: ملت عراق از دو ملیت اصلی عرب و کرد و قومیت‌های اصلی ترکمان، کلدانی، آشوری، سریانی، ارمنی، شبک (فارس)، یزیدیه و صائبین تشکیل شده که همگی آن‌ها در دسترسی به حقوق و واجبات ملی‌شان مساوی هستند. کشور عراق از دو قومیت غالب عرب و سپس کرد تشکیل شده است. نسبت مسلمانان به کل جمعیت عراق ۹۷ درصد و ۳ درصد بقیه نیز شامل مسیحیان و پیروان دیگر ادیان می‌شود که از جمله آن‌ها یهودیان، یزیدی‌ها، بهایی‌ها و صائبین هستند. ۶۵-۶۰ درصد از مسلمانان را شیعیان و ۳۷-۳۲ درصد را سنی‌ها تشکیل می‌دهند (CIA-Factbook/2006). البته در مورد این ارقام، اتفاق نظری وجود ندارد و معمولاً در آمارهایی که از سوی منابع مختلف منتشر می‌شود، با آمار متفاوتی روبه‌رو می‌شویم. مثلاً دایره‌المعارف بریتانیکا شمار شیعیان را ۵۳ درصد و سنی‌ها را حدود ۴۲ درصد ذکر کرده است (احمدی، ۱۳۸۴: ۷۸) و در جای دیگر جمعیت

شیعیان ۶۰-۵۵ درصد و جمعیت سنی‌ها ۴۰-۳۵ درصد ذکر شده است. (ویکی‌پدیا، ۲۰۰۶)

نژاد

با توجه مباحث مربوط به ترکیب قومیت و مذهبی عراق، ساکنین این کشور از نژادهای متفاوتی تشکیل شده‌اند و علاوه بر آن خلوص نژادی آن‌ها نیز مورد تردید است. مهم‌ترین نژادهای ساکن در عراق عبارتند از: سامی، آریایی (هند و اروپایی) و نژاد ترک که در مجموع بیشترین جمعیت این کشور را به خود اختصاص داده‌اند: (ویکی‌پدیا، ۲۰۰۶)

نظام حکومتی

فعالیت حزب بعث در عراق، در اواخر دهه ۱۹۴۰ م آغاز شد و افرادی از طرف حزب بعث سوریه در دانشگاه بغداد به تبلیغ پرداختند. در سال ۱۹۵۴ م کمیته حزب بعث عراق، تحت رهبری فواد رقابی و فیصل خیزوران به دنبال کسب موفقیت‌های سیاسی، ضمن علنی کردن اساس‌نامه حزب، رهبری و مرکزیت حزب بعث سوریه را پذیرفت. این وضعیت تا سال ۱۹۶۳ م ادامه داشت. در این سال حزب بعث با مشارکت میلیون در عراق به قدرت رسید اما نتوانست بیش از چند ماه سرپا بماند. ولی از سال ۱۹۶۸ م به تنهایی به قدرت تکیه زد. به این نحو که ابتدا، بعضی‌های با رتبه نظامی بالا شروع به بررسی نظامیان کردند تا عناصر ناراضی خواهان شرکت در یک کودتا را بیابند. سپس در هفدهم ژوئیه ۱۹۶۸ م به کودتایی دست زدند که منجر به قدرت رسیدن حزب بعث گردید و تغییر مشخص دیگری را در ساختار و جهت‌گیری حکومت در عراق ایجاد کردند. در این حکومت جدید، اول این که نظامیان دارای اکثریت بودند و دوم تسلط و حاکمیت تک‌ریتی‌ها، به خصوص تک‌ریتی‌هایی که با بکر نسبت داشتند بود. در آن زمان، صدام حسین اگرچه هنوز هیچ مقام رسمی نداشت، نقش مهمی را در پشت صحنه ایفا می‌کرد.

در این دوران به منظور تحکیم جایگاه حزب بعث در قدرت عراق، ابتدا ارتش پاک‌سازی شد و سپس محاکماتی برای تقویت حاکمیت بعث توسط رژیم انجام و از همه مهم‌تر با حامیان غربی به شدت برخورد شد. بعد قانون اساسی موقتی در ژوئیه ۱۹۷۰ منتشر شد که بیانیه رژیم بود.

پس از آن‌که در ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹م، حسن البکر نخستین رئیس‌جمهور دوره حاکمیت حزب بعث از سمت خود استعفا داد، صدام حسین جانشین وی شد. روی کار آمدن وی در عراق، درست مصادف با وقوع انقلاب اسلامی در ایران بود. به دنبال آن در سال ۱۹۸۵ م با تصویب قانون اساسی جدید، اعلام شد که حکومت عراق جمهوری دموکراتیک ملی است ولی در واقع کشور توسط مردان نظامی قدرتمندی اداره می‌شد که صدام حسین آخرین فرمانده نظامی این کشور بود. (نامی، ۱۳۸۷: ۲۳۲)

قدرت نظامی

کشور عراق در پایان جنگ هشت ساله با ایران به واسطه تجربه‌اندوزی از این جنگ و کمک‌های بی‌دریغ تجهیزاتی و مالی غرب و حامیان منطقه‌ای به یکی از قوی‌ترین ارتش‌ها تبدیل شد. این کشور در آستانه حمله به کویت دارای قابلیت‌های عمده‌ای بوده است: (سازمان جغرافیایی، ۱۳۸۲: ۲۳)

بررسی تهاجم عراق به کویت و اشغال آن

انگیزه‌ها

در ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ (دوم آگوست ۱۹۹۰) نیروهای نظامی عراق وارد خاک کویت شدند و این کشور کوچک را تسخیر نمودند. مهم‌ترین انگیزه‌های تهاجم عراق به کویت را می‌توان به شرح پیش رو عرضه نمود:

از نظر زمینه تاریخی، عراق خاک کویت را بخشی از سرزمین خود می‌دانست و صدام که خود را از نظر نظامی قوی می‌دید، درصدد تحقق بخشیدن به این رؤیای تاریخی برآمد.

از نظر سیاسی نیاز تحقق بخشیدن به رؤیای تاریخی، در این زمان بیش از هر زمان دیگری برای صدام لازم بود. وی که با تشویق آمریکا و حمایت غرب، مردم خود را درگیر یک جنگ تمام عیار و بی‌حاصل هشت ساله با ایران نموده بود، می‌بایست با حرکتی:

الف) خاطرات جنگ با ایران را از افکار مردم خود دور سازد؛

ب) چهره ضد استکباری به خود بگیرد؛

پ) توجه مردم خود را از مشکلات داخلی به مسائل خارجی معطوف نماید. (الهی،

۱۳۸۷: ۳۳۹)

همچنین رژیم عراق همیشه و به خصوص بعد از جمال عبدالناصر داعیه رهبری جهان عرب را داشته است و برای این کار می‌بایست هم صاحب قدرت کافی باشد (داشتن سواحل مناسب، قدرت اقتصادی و قدرت نظامی) و هم توان به‌کارگیری آن را به نمایش بگذارد که تصرف کویت هر دو مورد را تأمین می‌نمود. (بارام ۱۳۷۵: ۳۳)

انگیزه اقتصادی محرک دیگری برای اقدام صدام بود، رژیم عراق در طول جنگ علیه ایران یک بدهی عظیم ۷۰ میلیارد دلاری در خارج ایجاد نموده بود. اقتصاد داخلی این کشور نیز در هم ریخته بود و حدود ۱۵ میلیارد دلار به کویت بدهی داشت.

(www.geocities.com/pentagon)

برداشت غلط کادر رهبری عراق از عکس‌العمل آمریکا در حمله به کویت

صدام ظهر روز ۲۵ جولای، یک هفته قبل از تجاوز به کویت، سفیر ایالات متحده در بغداد را به فوریت احضار کرد، سفارت عراق در واشنگتن در اواسط سپتامبر ۱۹۹۰ بخشی از گفتگوهای فی‌مابین را منتشر ساخت و خانم گلسپای^۱ سفیر آمریکا در بغداد آن را ساختگی خواند. در حالی که صدام وضع را این‌گونه ارزیابی نمی‌کرد. صدام

گفت^۱: «من از سفیر خواستم تا او پرزیدنت بوش را قانع کند در صورت لزوم به کویت فشار بیاورد، پاسخ داد من پیام شما را بی درنگ می فرستم» با این حال ادامه داد «ایالات متحده مایل نیست در اختلافات داخلی اعراب شرکت کند.» (بارام، ۱۳۷۵: ۴۰)

واکنش جامعه بین‌المللی به این تجاوز

پس از ورود نیروهای عراقی به کویت، در کشورهای همسایه عراق این نگرانی به وجود آمد که آیا عراق با دستیابی به منابع مالی، ذخایر نفتی و سواحل کویت در خلیج فارس، تجاوز خود را محدود به کویت خواهد نمود؟ در این نگرانی کشورهای صنعتی نیز شریک بودند. آمریکا و متحدان غربی وی که دنبال بهانه برای حضور نظامی مستقیم در منطقه بودند، سعی نمودند از فرصت به دست آمده استفاده نموده و از طریق سازمان ملل متحد به حضور و دخالت نظامی خود در منطقه جلوه قانونی بدهند (الهی، ۱۳۸۷: ۳۴۹)

گورباچوف و یارانش در مخالفت با تجاوز عراق دست از سیاست سنتی خود نسبت به عراق کشیدند و موضعی گرفتند که کاملاً متناقض با سیاست پیشین شوروی در خاورمیانه بود. (نوسنکو^۲، ۱۳۷۵: ۲۰۶)

بریتانیا همراه با بیشتر کشورهای دیگر از جمله اکثریت کشورهای غربی تهاجم عراق به کویت را محکوم کرد. از نظر حکومت بریتانیا تصمیم‌های بین‌المللی حکم می‌کرد تا استفاده از نیروهای نظامی به تأخیر نیفتد و این کشور توانست پیوند لازم میان ائتلاف بین‌المللی و ایالات متحده را برقرار کند و موضع بین‌المللی خود را اعتبار بخشد. (کوهن ۱۳۷۵: ۲۲۴-۲۵۱)

۱- مصاحبه صدام در حریت، ۱۰ فوریه ۱۹۹۲، در اف. بی. آی. اس دی آر، ۱۳ فوریه ۱۹۹۳ صص ۳ و ۲۲

۲- ولادمیر نوسنکو دستیار مدیر شعبه خاورمیانه در وزارت خارجه روسیه

راهبرد ایالات متحده آمریکا تنها با گذشت ۵ روز از اشغال کویت توسط بوش خطاب به مردم آمریکا مشخص گردید.

«عقب‌نشینی کامل و بی‌قید شرط عراق از کویت، اعاده حکومت مشروع کویت، پایبندی به امنیت و ثبات در خلیج فارس، حفاظت از اتباع آمریکا در منطقه». (هرمن، ۱۳۷۵: ۱۷۰)

در این راستا شورای امنیت سازمان ملل متحد یک سری قطعنامه در خصوص این بحران از دوم آگوست تا ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ صادر نمود که شامل: قطعنامه‌های شماره ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۴، ۶۷۷، ۶۷۸ می‌گردید.

دوازدهمین قطعنامه شورای امنیت یعنی قطعنامه شماره ۶۷۸ در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ صادر شد و طی آن به کشورهایی که با کویت همکاری می‌کنند، اجازه داد، چنانچه عراق تا ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱ خاک کویت را ترک ننمود، هر اقدامی را که لازم می‌دانند به عمل آورند. این قطعنامه با ۱۲ رأی مثبت ۲ مخالف (کوبا و یمن) و یک رأی ممتنع (چین) به تصویب رسید. (شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۱۲)

نافرمانی عراق و عدم تمکین به آرای سازمان ملل و قدرت‌های بزرگ، زمینه صدور قطعنامه‌ای را فراهم آورد که در طول تاریخ حیات ۵۷ ساله این سازمان کمتر سابقه داشته است. تصویب قطعنامه ۱۴۴۱ نشان از انزوای رژیم بغداد و اجماع نسبی قدرت‌های بزرگ جهانی و دارندگان حق و تو در شورای امنیت که پیش‌تر دیدگاه‌های متفاوتی در این خصوص داشته‌اند، دارد و به ویژه گویای تفوق نگرش آمریکاست. (گلشن پژوه، ۱۳۸۱: ۲۱۰) همچنین دوره طولانی بین دو جنگ خلیج فارس این امکان را برای آمریکا فراهم ساخت تا ضمن تضعیف شدید صدام، با استفاده از همین وسیله نسبت به مهار و کنترل نفوذ ایران در عراق مبادرت نماید.

بررسی اهم تحولات و وضعیت محیط بین‌الملل و داخلی عراق

بررسی اهم تحولات و وضعیت محیط بین‌الملل قبل از شروع تهاجم نظامی آمریکا در پی یک دوره نسبتاً طولانی کشمکش‌های سیاسی بین آمریکا و حامیان غربی وی از یک‌طرف و رژیم بعث عراق از طرف دیگر حول موضوعاتی نظیر خلع سلاح عراق، حمایت عراق از تروریسم و القاعده و نقض حقوق بشر، شاهد اوج‌گیری مجادلات فی‌مابین و تشدید اقدامات غرب علیه عراق، در مقطع زمانی حدوداً شش ماه مانده به تهاجم مجدد نظامی آمریکا به عراق هستیم. این مقطع زمانی را شاید بتوان دوره انتهایی گذار از دوره جنگ سرد به جنگ گرم آمریکا علیه عراق قلمداد نمود. رخدادها و وقایع چشمگیری که در این مقطع اتفاق افتاده از اهمیت خاصی برخوردار بوده و به نوعی می‌تواند قرائن اقدام نظامی آمریکا تلقی گردد. اهم این رخدادها عبارتند از:

- الف) صدور قطعنامه ۱۴۴۱ شورای امنیت بر ضد عراق؛
- ب) برجسته‌سازی تهدید عراق در سند امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۲؛
- پ) انتقال حجم عظیم نیروهای مسلح به منطقه شمال خلیج فارس؛
- ت) سازماندهی فعالیت‌های گروه‌های معارض عراقی؛
- ث) نشست‌های مکرر شورای امنیت برای دریافت گزارش‌های آزمونیک؛
- ج) بی‌اعتبار سازی نظریات کارشناسی بازرسی سازمان ملل؛
- چ) تلاش آمریکا برای صدور قطعنامه مجوز جنگ با عراق (۷ دسامبر ۲۰۰۳)؛
- ح) اخطارهای صریح و تشویق صدام برای خروج از عراق. (بلیکس ۱۳۸۵: ۸۱)

بررسی اهم تحولات و وضعیت محیط داخل عراق قبل از شروع تهاجم نظامی آمریکا وضعیت توان نظامی و دفاعی عراق

توان نظامی آمریکا و عراق در جنگ سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ با یکدیگر تفاوت داشت. در هر دو جنگ، توان نظامی عراق در مقابل توان نظامی آمریکا و متحدانش بسیار ضعیف بود، اما توان هر دو کشور در دو جنگ نسبت به خودشان تفاوت چشمگیری

داشت، توان نظامی عراق در سال ۱۹۹۱ از سال ۲۰۰۳ به مراتب قوی‌تر بود، موضوعی که برای آمریکا و متحدینش، تقریباً برعکس بود، یعنی توان آمریکا در جنگ سال ۹۱ تا حد زیادی از توان این کشور در سال ۲۰۰۳ ضعیف‌تر بود.

توان نظامی عراق در دو جنگ متفاوت بود در سال ۹۱ ماشین جنگی عراق در آمادگی کامل بود و این کشور در سایه کمک‌های سخاوتمندانه اعراب و حمایت‌های دو ابرقدرت شرق و غرب، به تجهیزات فراوان و مدرن دست یافته بود ولی برخلاف آغاز دهه ۹۰، در پایان این دهه، ارتش عراق به شدت آسیب دیده بود و توان و آمادگی پایینی داشت و پس از شکست سال ۹۱ با تلفات فراوان یک دهه تحریم و حملات متعدد نظامی مانند روباه صحرا در سال ۱۹۹۸ که علیه مراکز نظامی مهم این کشور صورت گرفت، تمامی زیرساخت‌های نظامی و اقتصادی عراق آسیب‌های سنگینی دیده بود.

می‌توان دلایل اصلی شکست سریع عراق را این‌گونه برشمرد:

- الف) کارآمد نبودن فرماندهی و کنترل عراق و در نتیجه ناتوانی در رویارویی در فضا با قدرت و سرعت پیشرفته هوایی آمریکا؛
- ب) مشکلات فرماندهی، کنترل، ارتباطات، رایانه و اطلاعات و نبودن تجهیزات شناسایی کارآمد؛
- پ) شکست عراق در استفاده مؤثر از موشک‌ها و توپخانه‌هایش؛
- ت) عدم استفاده از مین چه در سواحل و چه در خشکی؛
- ث) عدم وجود برنامه و طرح مدون از سوی عراق در استفاده از موانع آبی در مقابل دشمن؛
- ج) استقرار نیروهای زبده و مجهز در خارج شهرها و استفاده از نیروهای به ظاهر وفادار در داخل شهرها؛

چ) عدم تخریب امکانات جاده‌ای مانند پل‌ها که فقط در ناصریه می‌توانست مدت زیادی حرکت به سمت بغداد را کند نماید. (RAND، 2006:12)

وضعیت سیاسی و ضعف حاکمیت و رهبری در عراق

هر چند به ندرت دیده شد که مردم عراق از نیروهای آمریکا و انگلیس به گرمی استقبال کنند، هیچ‌گونه شواهدی مبنی بر حمایت گسترده مردمی از صدام حسین نیز دیده نشد و ارتش مردمی حضور و نمود پررنگی نداشت. مقاومت‌های موجود در جنوب نیز به سلطنت طلبانی مربوط بود که صدام حسین پس از شورش‌ها از آن‌ها برای اعمال کنترل مجدد بر مناطق جنوبی استفاده می‌کرد^۳.

فشار و اختناق ۲۳ ساله دیکتاتوری صدام در عراق، موجبات نارضایتی عمومی در بخش‌های وسیعی از کشور را فراهم کرده بود و رسانه‌های تبلیغی آمریکا با استفاده از نقاط ضعف دولت او، اقدام به پخش شایعات وسیعی در مورد صدام و وابستگان حزب بعث کردند. این امر به افزایش شکاف بین حاکمیت و مردم منجر شد و زمینه مساعدی را برای اضمحلال و سقوط نظام بعث در عراق فراهم آورد. (لطفیان، ۱۳۸۳: ۳۴)

از جمله موارد اعمال محدودیت علیه عراق تعیین مناطق پرواز ممنوع در این کشور بود. به دنبال پذیرش شروط آتش‌بس از سوی عراق طرحی برای برقراری منطقه امن سازمان ملل در شمال عراق، بالاتر از عرض جغرافیایی ۳۶ درجه برای محافظت از کردها، در نشست اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ تصویب و به دنبال آن آمریکا به عراق دستور داد تا کلیه فعالیت‌های نظامی خود را در آن منطقه پایان دهد. در ۲۶ اوت ۱۹۹۲ نیز یک منطقه پرواز ممنوع که پرواز هواپیماهای عراقی را ممنوع می‌کرد در جنوب و زیر عرض جغرافیایی ۳۲ درجه برقرار گردید. (دهقانی ۱۳۸۱: ۴۱)

از جمله دیگر تحولات چشمگیر این دوره سازمان‌دهی معارضان عراقی است. معارضان عراقی در مورخه ۱۴ دسامبر ۲۰۰۲ اجلاسی را با شعار دموکراسی و آزادی

عراق در هتل مترو پول همیلتون لندن برگزار کردند و برای شیعیان در مجموع ۵۵ درصد، کردها ۲۵ درصد، سنی‌های عرب ۱۱ درصد، ترکمن‌ها شش درصد و آشوری‌ها و کلیمیان سه درصد، سهمیه در عراق پس از صدام تعیین شده بود. (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ۸۱/۹/۲۹)

وضعیت اقتصادی و معیشتی

شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ ۶ اوت ۱۹۹۰ برای بررسی بحران کویت مجدداً تشکیل جلسه داد و طی آن قطعنامه ۶۶۱ را تصویب نمود که به موجب این قطعنامه تحریم‌های اقتصادی شدیدی علیه عراق اعمال و شرایط دشواری برای این کشور در عرصه بین‌المللی به وجود آمد. تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه عراق فشارهای زیادی بر مردم این کشور وارد می‌آورد. به همین دلیل شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۹۸۶ را در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۹۵ تصویب نمود. به موجب این قطعنامه صادرات محدود نفت برای خرید غذا و دارو، تحت عنوان «نفت در برابر غذا» مجاز شمرده شد؛ عراق تا سال ۱۹۹۶ از پذیرش این قطعنامه سرباز می‌زد، ولی با پذیرش آن در این تاریخ (۱۹۹۶) برنامه نفت در برابر غذا از دسامبر ۱۹۹۶ آغاز شد. (دهقانی ۱۳۸۱: ۴۱)

در نتیجه تحریم‌های سازمان ملل، درآمدهای ملی عراق دچار نقصان شدیدی گردید و تولید نفت عراق تحت تحریم‌های اعمال شده در طی ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۲ به میانگین ۱/۴ میلیون بشکه در روز رسید. با فرض این که عراق می‌توانست در طی این دوره سه میلیون بشکه نفت در روز تولید کند، کمبود درآمد این کشور از پایان اولین جنگ خلیج فارس به بعد حدود صد و پنجاه میلیارد دلار است. در تاریخ معاصر جهان، هیچ اقتصاد ویرانی در این مقیاس مشاهده نشده است. (نورداس، ۱۳۸۱: ۱۴۱)

تحلیل اطلاعات گردآوری شده

تحلیل محتوایی

دو رویداد یعنی فروپاشی ابرقدرت شوروی و ظهور آشکار ابر تروریسم به یکباره نشان دادند که بازدارندگی در مقام یک راهبرد، دیگر موضوعیت ندارد و به جای آن «پیش‌دستی» به عنوان جایگزینی مناسب برای بازدارندگی پیشنهاد گردید. این اصل که مقابله با تهدیدات پیش از عملی شدن آن‌ها گزینه بهتری است در سند امنیت ملی آمریکا در ۲۰۰۲ مطرح گردید. دولت بوش پسر، پس از حوادث یازدهم سپتامبر، راهبردهای مبارزه با تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی را به طور مستقل و به عنوان ارکان اساسی دکترین امنیت ملی آمریکا تدوین و عملیاتی نمود. تهدیدات امنیتی علیه منافع و امنیت ملی آمریکا از منظر دولت مردان این کشور در قالب یک مثلث امنیتی تعریف می‌شود که دولت‌های یاغی، تسلیحات کشتار جمعی و تروریسم ضلع‌های سه‌گانه این مثلث را تشکیل می‌دهند. (فریدمن، ۱۳۸۶: ۱۴۵)

با توجه به موارد یاد شده بالا، پس از واقعه یازده سپتامبر، جنگ پیشگیرانه و عملیات پیش‌دستانه به عنوان یک دکترین مد نظر مسئولان سیاسی - دفاعی ایالات متحده قرار گرفت.

با توجه به مطالعات انجام شده از میان عوامل گوناگون اثرگذار در اعمال جنگ پیش‌گیرانه آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳؛ که موجب شکست عراق گردید، در بعد عوامل داخلی، موارد زیر با توجه به نظر خبرگان به عنوان عوامل مؤثر در اعمال جنگ پیش‌گیرانه آمریکا علیه عراق بر مبنای وزن و ترتیب اهمیت عوامل مذکور، احصا گردیده است.

- اعمال تحریم‌های گسترده و طولانی مدت علیه عراق بر اثر صدور قطع‌نامه‌های

متعدد شورای امنیت سازمان ملل. (حد فاصل دو جنگ ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳)

- ناتوانی و ضعف ارتش عراق برای مقابله با تهاجم آمریکا و فقدان روحیه و اراده برای جنگیدن
- حمایت ضعیف مردم عراق از حکومت و ارتش در برابر تهاجم خارجی
- نارضایتی شدید اکثریت مردم از حکومت صدام و حزب بعث
- حاکمیت سیاسی و نظامی ضعیف و ناقص حزب بعث بر سرزمین و فضای عراق (تشکیل خطوط حمایتی از اکراد در شمال ۳۶ درجه و از شیعیان در جنوب ۳۲ درجه)
- وابستگی شدید صنایع نظامی عراق به خارج از کشور
- تأثیرگذار نبودن عراق بر اقتصاد جهانی
- ناکارآمدی حکومت بعث عراق در اداره مردم و کشور عراق
- حمایت علنی گروه‌های معارض عراقی از مداخله بیگانگان در تهاجم نظامی جهت سرنگونی حکومت صدام

تحلیل توصیفی

به منظور بررسی میزان تأثیر عوامل یادشده بالا بر اعمال جنگ پیش‌گیرانه آمریکا علیه عراق، پرسش‌نامه‌ای تهیه و در میان جامعه نمونه توزیع گردید که نمونه سؤال مربوط و تحلیل انجام شده‌ی آن به شرح زیر است.

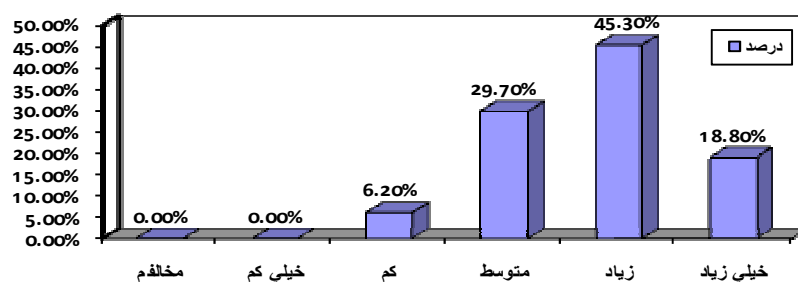
ردیف	سوالات	نوع سؤال	موافقم				
			خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
			۸۱-۱۰۰	۶۱-۸۰	۴۱-۶۰	۲۱-۴۰	۱-۲۰
	محیط داخلی عراق						
۱	اعمال تحریم‌های گسترده و طولانی مدت علیه عراق بر اثر صدور قطع‌نامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل. (حد فاصل دو جنگ ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳) در اعمال جنگ پیش‌گیرانه علیه عراق مؤثر بوده است.						

سؤال ۱: اعمال تحریم‌های گسترده و طولانی مدت علیه عراق بر اثر صدور قطع‌نامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل. (حد فاصل دو جنگ ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳) در اعمال جنگ پیش‌گیرانه علیه عراق مؤثر بوده است.

الف- مخالفم ب- خیلی کم پ- کم ت- متوسط ث- زیاد ج- خیلی زیاد

جدول ۱۱-۱-۴: توزیع درصد فراوانی میزان تأثیر اعمال تحریم‌های گسترده و طولانی مدت علیه عراق بر اثر صدور قطع‌نامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل. (حد فاصل دو جنگ ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳) در اعمال جنگ پیش‌گیرانه علیه عراق

متغیر	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	درصد واقعی پاسخ	فراوانی نسبی تجمعی
کم	۴	۶/۲	۶/۲	۶/۷
متوسط	۱۹	۲۹/۷	۲۹/۷	۳۵/۹
زیاد	۲۹	۴۵/۳	۴۵/۳	۸۱/۲
خیلی زیاد	۱۲	۱۸/۸	۱۸/۸	۱۰۰
جمع	۶۴	۱۰۰	۱۰۰	



تفسیر

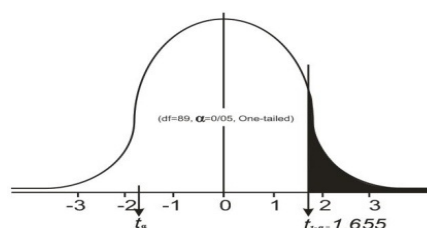
جدول و نمودار بالا نشانگر این واقعیت است که ۰ درصد از پاسخگویان به گزینه مخالفم، ۰ درصد به گزینه خیلی کم، ۶/۲ درصد به گزینه کم، ۲۹/۷ درصد به گزینه متوسط، ۴۵/۳ درصد به گزینه زیاد و ۱۸/۸ درصد به گزینه خیلی زیاد پاسخ داده‌اند.

آزمون

برای آزمون این فرض که اعمال تحریم‌های گسترده و طولانی مدت علیه عراق بر اثر صدور قطع‌نامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل. (حد فاصل دو جنگ ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳) در اعمال جنگ پیش‌گیرانه علیه عراق مؤثر بوده است از آزمون میانگین تی استیودنت به شرح زیر استفاده می‌کنیم:

$$H_0 : \mu \leq$$

$$H_1 : \mu >$$



پس از انجام محاسبات توسط نرم‌افزار SPSS جدول‌های زیر حاصل شده است:

One-Sample Statistics

سؤال	حجم نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	انحراف معیار میانگین
اعمال تحریم‌های گسترده و طولانی مدت علیه عراق بر اثر صدور قطع‌نامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل. (حد فاصل دو جنگ ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳) در اعمال جنگ پیش‌گیرانه علیه عراق مؤثر بوده است.	۶۴	۳/۷۷	۰/۹۷۱	۰/۱۳۸

One-Sample Test

Test Value = 3						سؤال
فاصله اطمینان ٪۹۵		تفاوت میانگین نمونه و مقدار آزمون	سطح معنی داری دو طرفه آزمون	درجه آزادی	آماره	
حد بالا	حد پایین					
۱/۳۶	۰/۸۰	۰/۷۹۱	۰/۰۰۰	۶۲	۸۱۰ ۷/	اعمال تحریم‌های گسترده و طولانی مدت علیه عراق بر اثر صدور قطع‌نامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل. (حد فاصل دو جنگ ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳) در اعمال جنگ پیش‌گیرانه علیه عراق مؤثر بوده است.

تصمیم‌گیری

با توجه به مقدار t_0 محاسبه شده (۷/۸۱۰) که بیشتر از مقدار t_{CV} بحرانی یا جدولی (۱.۶۷) است، چنین می‌توان نتیجه گرفت که فرض آماری H_0 رد و فرض آماری H_1 تأیید و پذیرفته می‌شود. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت:

اعمال تحریم‌های گسترده و طولانی مدت علیه عراق بر اثر صدور قطع‌نامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل (حد فاصل دو جنگ ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳) در اعمال جنگ پیش‌گیرانه علیه عراق مؤثر بوده است.

روایی محتوایی پرسش‌نامه

با توجه به ضریب آلفای کرونباخ که برابر با ۰/۸۹ محاسبه گردیده است اعتبار محتوایی پرسش‌نامه حاصل می‌گردد.

نتایج نهایی

ترتیب میزان تأثیر عوامل پیش گفته و وزن موزون هر عامل در میان کل عوامل به شرح زیر احصا گردیده است.

ترتیب	شرح	وزن	تعدیل شده
۱	اعمال تحریم‌های گسترده و طولانی مدت علیه عراق بر اثر صدور قطع‌نامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل. (حد فاصل دو جنگ ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳)	۰/۰۹۰۰	٪۹
۲	ناتوانی و ضعف ارتش عراق برای مقابله با تهاجم آمریکا و فقدان روحیه و اراده برای جنگیدن	۰/۰۷۳۹	٪۷
۳	حمایت ضعیف مردم عراق از حکومت و ارتش در برابر تهاجم خارجی	۰/۰۴۶۲	٪۵
۴	نارضایتی شدید اکثریت مردم از حکومت صدام و حزب بعث	۰/۰۴۵۸	٪۵
۵	حاکمیت سیاسی و نظامی ضعیف و ناقص حزب بعث بر سرزمین و فضای عراق (تشکیل خطوط حمایتی از اکراد در شمال ۳۶ درجه و از شیعیان در جنوب ۳۲ درجه)	۰/۰۳۶۰	٪۴
۶	وابستگی شدید صنایع نظامی عراق به خارج از کشور	۰/۰۳۴۶	٪۳
۷	تأثیرگذار نبودن عراق بر اقتصاد جهانی	۰/۰۳۱۸	٪۳
۸	ناکارآمدی حکومت بعث عراق در اداره مردم و کشور عراق	۰/۰۳۰۱	٪۳
۹	حمایت علنی گروه‌های معارض عراقی از مداخله بیگانگان در تهاجم نظامی جهت سرنگونی حکومت صدام	۰/۰۱۵۰	٪۲

نتیجه گیری

عوامل محیط داخلی یک کشور می‌تواند در اعمال یا عدم اعمال جنگ پیش گیرانه نقش مؤثری ایفا کند. اعمال تحریم‌های گسترده و طولانی مدت، ناتوانی و ضعف نیروهای دفاعی برای مقابله با تهاجم و فقدان روحیه و اراده برای جنگیدن، حمایت ضعیف مردم از حکومت و نیروهای مسلح کشور در برابر تهاجم خارجی، نارضایتی شدید اکثریت مردم از حکومت، حاکمیت سیاسی و نظامی ضعیف و ناقص بر سرزمین و فضای کشور و وابستگی شدید صنایع نظامی به خارج از کشور، تأثیرگذار نبودن کشور بر اقتصاد جهانی، ناکارآمدی حکومت در اداره مردم و کشور، حمایت گروه‌های معارض از مداخله بیگانگان در تهاجم نظامی جهت سرنگونی حکومت، از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار و ایجاد کننده شرایط مناسب برای اعمال جنگ پیش‌گیرانه محسوب شده و نبود این عوامل به عنوان عوامل بازدارنده، مانع از جهت‌گیری سیاسی و امنیتی آمریکا در اعمال جنگ پیش‌گیرانه است.

بدون تردید هم‌جواری و همسایگی با کشور عراق تأثیرات زیادی بر راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قبال این منطقه داشته و دارد. بررسی نقش عوامل محیط داخلی این کشور در جنگ سال ۲۰۰۳ با ایالات متحده آمریکا کمک مهم و شایسته‌ای در جهت شناسایی این عوامل، شرایط، زمینه‌ها و بسترهایی که منجر به تهدیدات و فرصت‌ها می‌شود را برای مسئولان و راهبردپردازان دفاعی ج.ا.ایران فراهم می‌نماید.

در نهایت با توجه به مطالعات انجام شده از میان عوامل گوناگون اثرگذار در اعمال جنگ پیش‌گیرانه آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳؛ که موجب شکست طالبان گردید، در بعد عوامل محیط داخلی موارد زیر به ترتیب اهمیت احصا گردید:

- اعمال تحریم‌های گسترده و طولانی مدت علیه عراق بر اثر صدور قطع‌نامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل. (حد فاصل دو جنگ ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳)

- ناتوانی و ضعف ارتش عراق برای مقابله با تهاجم آمریکا و فقدان روحیه و اراده برای جنگیدن
- حمایت ضعیف مردم عراق از حکومت و ارتش در برابر تهاجم خارجی
- نارضایتی شدید اکثریت مردم از حکومت صدام و حزب بعث
- اهمیت سیاسی و نظامی ضعیف و ناقص حزب بعث بر سرزمین و فضای عراق (تشکیل خطوط حمایتی از اکراد در شمال ۳۶ درجه و از شیعیان در جنوب ۳۲ درجه)
- وابستگی شدید صنایع نظامی عراق به خارج از کشور
- تأثیرگذار نبودن عراق بر اقتصاد جهانی
- ناکارآمدی حکومت بعث عراق در اداره مردم و کشور عراق
- حمایت علنی گروه‌های معارض عراقی از مداخله بیگانگان در تهاجم نظامی جهت سرنگونی حکومت صدام

منابع و مأخذ

- ۱- آقای، بهمن و علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی. ج: ۳. تهران: نشر ویس، ۱۳۶۶
- ۲- الهی، همایون، خلیج فارس و مسائل تهران: قومس، ۱۳۸۷
- ۳- بارام، آما تریا، ارزیابی‌ها و ارزیابی‌های غلط در بغداد، ترجمه محمد حسین آریا، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
- ۴- تانکارد جیمز و سورین ورنر، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۸۱
- ۵- تهامی، سید مجتبی، امنیت ملی دکتترین و سیاست‌های دفاعی و امنیتی ج: ۱. تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۷۶
- ۶- تهامی، سید مجتبی، امنیت ملی (جلد اول)، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش ج.ا.ا، ۱۳۸۴
- ۷- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، نگاهی به عراق و جنگ سلطه: گزارش خبری - تحلیلی از جنگ دوم خلیج فارس، ۱۳۸۳
- ۸- غلامپور، احمد، نگاهی به افغانستان و آخرین تحولات آن، فصلنامه دفاعی تاکتیکی دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۸۰
- ۹- فریدمن، لارسن، بازدارندگی، ترجمه عسگر قهرمانپور و غیره، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.
- ۱۰- کوهن دن، سیاست بریتانیا در جنگ، ترجمه محمد حسین آریا، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
- ۱۱- لطفیان، ابراهیم، عملیات روانی در نبرد سلطه، فصلنامه عملیات روانی، سال دوم، شماره ۷. ۱۳۸۳
- ۱۲- نوسنکو، ولادمیر، سیاست شوروی در جنگ خلیج فارس، ترجمه محمد حسین آریا، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵

۱۳- ویکی‌پدیای انگلیسی، نسخه ۲۷ مه ۲۰۰۷.

۱۴- حاجی یوسفی، امیر محمد، آمریکا و عربستان پس از اشغال عراق: سیاست پیشگیری دموکراتیک، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۱، شماره ۱، بهار ۱۳۸۳.

۱۵- هرمن، ریچارد، سیاست ایالات متحده در جنگ خلیج فارس، ترجمه محمد حسین آریا، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵

16- DOD military dictionary, 2008

17- Fukuyama, Francis , After Neo-conservatism 2006

18- Random house unabridged Dictionary, 1993

19- Samuels, Richard J. Encyclopedia of United States national security 2005.

20- www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook.

21- [www. Geocities. com / pentagon](http://www.Geocities.com/pentagon).

22- [www. Rand.org/multi/gulf war](http://www.Rand.org/multi/gulf-war)